

## آسیب شناسی هویت سازی زنان در گفتمان خانواده محور رسانه

فربیا حاجیعلی<sup>۱</sup>

مهدیه حیدری<sup>۲</sup>

### چکیده

تاریخ معاصر ایران پس از انقلاب اسلامی، شاهد حیات گفتمانی نوین در عرصه هویتی زن بود که در راستای اعطای یک تکامل اصیل به هویت او در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی تعریفی نوین از حقوق زن ارائه داده و ساختارهای عینیت بخش آن را در حوزه قوانین و مقررات بنیان نهاد. «حقوق رسانه‌ای زن» از جمله اصولی است که در چارچوب این گفتمان و در حوزه مقررات و قوانین خانواده با هدف تحقق سلامت زنان، خانواده و جامعه همواره مرجعی برای برنامه‌ها و اقدامات بوده است. علی‌رغم ادعاهای متعدد در خصوص پایبندی نهادهای فرهنگی هویت‌ساز به حفظ جایگاه زن و همچنین گفتمان خانواده محوری به عنوان رسالت اصلی گفتمان نوین هویتی در حوزه زنان، اما بحران‌ها و آسیب‌های هویتی موجود در عصر حاضر، دلیل عملکرد نامناسب این نهادها به ویژه رسانه است و می‌تواند تهدیدی جبران‌ناپذیر برای سلامت زنان، خانواده و درنهایت جامعه محسوب گردد.

لذا پژوهش کیفی حاضر ضمن بررسی و بازخوانی گفتمان نوین هویتی مدون در اسناد، مرتبط با مؤلفه‌های احقاق کامل حقوق انسانی زنان ناظر بر تعریف جایگاه وی بر مبنای ارزش‌های متعالی انسانی در وهله اول و سپس پاسداری از کرامت، منزلت و شخصیت او به عنوان یک زن، جایگاه حقوق رسانه‌ای زن را در محصولات فرهنگی رسانه‌ای امروز مورد نقد و ارزیابی قرار داده و بر اساس شناخت خلأهای موجود با تأکید بر مؤلفه‌های هویتی گفتمان مذکور، به ایجاد یک فضای فرهنگی در رسانه به نحوی که حقوق رسانه‌ای زن و در نهایت سلامت خانواده و جامعه را به گونه شایسته‌ای عینیت بخشد، به عنوان ضرورتی مهم می‌پردازد.

**کلیدواژه:** گفتمان نوین هویت، خانواده محوری، حقوق رسانه‌ای زن، رسانه، مطالعات اسنادی

<sup>۱</sup> دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء Faribahaj@yahoo.com

Miss.heidari\_66@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مطالعات زنان - دانشگاه الزهراء

## مقدمه و بیان مسأله

علی‌رغم موج گسترده انتقادات بر طرح مسأله حقوق زنان در جامعه به جهت دامن زدن بر نفوذ اندیشه‌های غرب و ترویج فمینیسم در جامعه اسلامی ایران، اما باید گفت این موضوع یکی از مباحث غیر قابل اغماض در حوزه زنان است. هدف از پژوهش حاضر نیز به طور کلی بازخوانی مبانی حقوق زنان و به طور خاص طرح موضوع حقوق رسانه‌ای زنان در ایران می‌باشد. در واقع بحث حقوق زنان، نقطه عطفی در تاریخ سه دهه اخیر ایران به شمار می‌رود و به اعتقاد نگارنده نه تنها نباید حقوق زنان را در حاشیه‌ی موضوعی قرار داد بلکه می‌بایست همواره در برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های مختلف، در سطوح و ابعاد گوناگون جامعه مدنی، آن را به عنوان یک حوزه خطیر و پراهمیت جز اولویت‌های مرجح قرار داد و به آن پرداخت. اما پیش از ورود به بحث اصلی در پاسخ به این ابهام که چگونه می‌توان بحث حقوق زنان را که در جریان جنبش‌های آزادیخواهانه و گسترش اندیشه‌های فمینیستی در غرب بسط یافت، در جامعه‌ای همچون ایران مطرح نمود؛ باید اذعان نمود هرچند که مسائل ناشی از بحران‌های فکری و هویتی زنان امروز ایران در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی، موجبات آسیب‌ها و تزلزل‌های عمیقی را فراهم آورده است و این حقیقتی غیر قابل انکار است، اما در اصل چرایی آن را بایستی در عدم طرح درست و یا در مواردی عدم توجه به حقوق زنان در حوزه‌های مختلف جستجو نمود؛ اما نکته‌ای که در این میان دو حوزه حقوق زن در ایران و حقوق زنان در مجموعه اندیشه‌ها و جنبش‌های فمینیستی را از هم تفکیک و متمایز می‌سازد، خوانش متفاوتی است که می‌بایست از این دو حوزه داشت. به این معنا که هر یک از آن‌ها در بستر گفتمانی با مؤلفه‌های ساختاری متفاوت حیات یافته و رشد نموده است. به عبارت دیگر آن‌چه در غرب رخ داد، گسست از گذشته در بستر گفتار و اندیشه تجدید بود که به دوقرن جنبش‌های حق‌طلبانه فمینیستی و پیوندی تاریخی برای ایجاد یک هویت مشترک و جمعی در تاریخ

غرب تبدیل شد. در حالی که حقوق زنان در ایران در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی و با مؤلفه‌هایی متفاوت مطرح و بازتعریف گردید و از همان ابتدای شکل‌گیری در تدوین متون حقوقی، اسناد و قوانین ساختاری نظام مورد توجه خاص و ویژه قرار گرفت.

ضرورت پرداختن به این مبحث در پژوهش حاضر نیز معطوف به چالش‌های بحث حقوق زنان در ایران به عنوان امری مسلم، ضروری و مهم در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه است و غفلت از آن به معنای نادیده گرفتن نیمی از جامعه بوده و آسیب‌های فراوانی را به همراه خواهد داشت، اما باید توجه نمود که در بستر چه گفتمان و ساختاری به طرح این موضوع می‌پردازیم؛ و همچنین بروز آسیب‌هایی چون بحران‌های جبران‌ناپذیر بر هویت جامعه زنان و به دنبال آن نهاد خانواده به عنوان شناسه اصلی زن ایرانی است که در نتیجه‌ی عدم بیان صحیح و سازنده بحث حقوق زنان در ایران و ایجاد فرصت و زمینه جهت نفوذ مبانی گفتمانی و الگوهای هویتی غیر بومی و نامتناسب با ساختار جامعه و فرهنگ ایرانی به وجود آمده است. در این میان، نحوه عملکرد سازمان‌ها و نهادهای ذیربط در این زمینه به ویژه نهادهایی همچون رسانه که بر اساس قوانین و مقررات، موظف به تحقق اهدافی در حوزه حقوق زنان و هویت‌سازی برای آنان در مسیر تعیین شده می‌باشند، می‌تواند به عنوان یکی از حوزه‌های مهم و عمده در سطوح کلان مورد ارزیابی بازبینی قرار گیرد. چراکه به‌طور کلی رسانه‌های عمومی یک کشور حاصل تعامل فرهنگ جامعه و ساختارهای سازنده آن هستند و در ایجاد هویت مستقل برای مردم، با پرورش ظرفیت‌های موجود نقش بسزایی ایفا می‌کنند.

لذا در این مقاله مشخصاً پس از بررسی اسنادی حقوقی که در گفتمان نوین هویتی در ایران برای زنان و در فرایند هویت‌سازی رسانه تعریف شده است، با توجه به آسیب‌های امروز جامعه در این عرصه و ارزیابی خلأهای موجود به طرح بایسته‌ها جهت عینیت بخشی و تحقق کامل حقوق زنان در این نهاد با رویکرد گفتمانی بیان شده خواهیم پرداخت.

## هویت و حقوق انسانی

به طور کلی هویت مقوله پیچیده‌ای متشکل از همه ابعاد و جنبه‌هایی است که با جوامع بشری پیوند خورده و هست بودگی او را تعریف می‌کند. برخی از ابعاد هویت با توجه به عوامل مختلف در هر جامعه و شرایطی متفاوت است. اما آن جنبه از هویت که فارغ از همه عوامل و مؤلفه‌های متغیر زمانی و مکانی، سیاسی و فرهنگی است و کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، هویت انسانی نوع بشر است. هویتی که مقدم بر سایر عوامل و در فضایی انسانی به تعریف و ترسیم جایگاه و هست‌بودگی او می‌پردازد. بنابراین در چنین رویکردی یک فرد پیش از آن که یک مرد یا زن، یک ایرانی یا غیر ایرانی و ... باشد، یک انسان است و می‌بایست تمامی حقوق او در چارچوب این هویت تأمین شده و سایر ابعاد نیز در راستای آن تعریف و ترسیم گردند.

## روش تحقیق: مطالعات اسنادی

در روش پژوهش کیفی می‌توان از ابزارها و تکنیک‌های متعددی جهت گردآوری داده‌ها استفاده نمود. به‌طور کلی از ۶ منبع می‌توان اطلاعات مورد نظر را جمع‌آوری نمود: پرونده‌ها و سوابق بایگانی، اسناد، مصاحبه، مشاهده مستقیم و مشارکتی، شواهد و مدارک فیزیکی (ک.آین، ۱۳۸۱: ۱۲۴). ک.آین همچنین انواع گوناگون استفاده از اطلاعات اسنادی را به عنوان یکی از تکنیک‌های رایج در پژوهش کیفی معرفی می‌کند. در واقع «پژوهش به روش اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد؛ مانند آرشیوها یا آمار رسمی است» (مجدفر، ۱۳۸۲: ۲۷۶). در این روش منابع اصلی مورد استفاده، کتب و مدارکی است که از دوره‌های گذشته به جای مانده و جدیداً از اسلاید، فیلم و سایر تکنولوژی‌های ضبط وقایع تاریخی نیز در پژوهش اسنادی استفاده می‌شود. اسنادی که در پژوهش اسنادی مورد استفاده قرار می‌گیرند عمدتاً شامل اطلاعات و نتایجی است که

توسط نویسندگان و پژوهش‌گران قبلی در حوزه مورد بحث فراهم گردیده‌اند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۲۶).

### زمینه‌های مورد استفاده از روش اسنادی

همان‌طور که ذکر شد پژوهش به روش اسنادی بر مبنای استفاده از اسناد و مدارک است و زمانی مورد کاربرد است؛ که یا تحقیق تاریخی در دست انجام باشد و یا آن‌که تحقیق مرتبط با پدیده‌های موجود بوده و محقق درصدد شناسایی تحقیقات قبلی در مورد آن موضوع برآمده باشد و یا آنکه پژوهش، نیاز به استفاده از اسناد و مدارک را ایجاب نماید و در اصطلاح آن‌که بخواهیم در یک زمینه خاص، مأخذیابی کنیم (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۵۶).

تلاش پژوهشی حاضر نیز پژوهشی کیفی بر مبنای روش اسنادی است که در دو بخش به کار گرفته شده است. در بخش اول با هدف بازخوانی مؤلفه‌های حقوقی و هویتی زنان در ایران به مطالعه‌ای اسنادی در باب قوانین و مقررات مدون از جمله قانون اساسی و یا منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان و همچنین اندیشه‌های امام راحل (ره) در این زمینه پرداخته‌ایم. و در بخش دوم با هدف ارزیابی عملکرد سازمان‌ها و نهادهای ذیربط در این حوزه به ویژه نهادهایی همچون رسانه‌های تصویری در رابطه با تحقق‌بخشیدن به حقوق مدون و تعریف‌شده زنان در چارچوب گفتمان هویتی نوین در ایران، به مطالعه یافته‌های پژوهش‌های پیشین در این زمینه پرداختیم تا دریابیم تا چه اندازه در راستای تحقق شاخص‌های انسانی حقوق زنان گام برداشته است.

## گفتمان انقلاب اسلامی و حقوق هویتی زن ایرانی

نظام ۵۷ ساله پهلوی ، در طول دو دوره اول و دوم از حیات سیاسی خود همواره تلاش کرد با ایجاد تغییرات روبنایی و ظاهری ، در وضعیت اجتماعی زنان ایران ، تصویری کاذب از او به جهانیان ارائه دهد. کشف حجاب در راستای اجرای سیاست های شبه مدرنیستی و مقابله با سنت از جمله تلاش های رژیم برای مدرن جلوه دادن ایران بود. سیاست های عصر پهلوی صرفاً برای شمار اندکی از زنان متعلق به طبقات خاص ، امکان تحصیل و مشارکت نمادین در امور اجتماعی و سیاسی را ایجاد کرد. در نتیجه گروهی را برای دل کندن از همان حضور اجتماعی محدود مصمم تر کرد و گروهی دیگر را به بهای جدا شدن از سنت و ارزش های آن روانه اجتماع ساخت. تا سال ۱۳۴۱ ، طبق تصویب قانون اساسی در دوره مشروطه ، زنان همچنان از شرکت در انتخابات و فعالیت های رسمی در عرصه سیاسی محروم بودند. علی رغم ادعا ها و شعارهای رجال پر شور و پرغوغای سیاسی آن دوره ، مبنی بر تحقق آزادی، برابری و دموکراسی ، اما نسبت به فرودستی جایگاه انسانی، اجتماعی و سیاسی زنان و ضرورت حضور نیمی از جمعیت انسانی برای ایفای نقش و مشارکت فعال در جامعه بی توجه بودند. به طوری که تا پیش از انقلاب اسلامی ، دولت ها و پارلمان های طرفدار دموکراسی پس از مشروطه، هرگز حقوق زن را تمام و کمال در دستور کار خویش قرار ندادند. این شکاف در دوران پهلوی دوم به اوج خود رسید و به رغم اقدامات سطحی و تبلیغاتی حکومت در اعطای حق رای به زنان و اصلاح برخی قوانین مرتبط با آنها نتوانست پاسخگوی آزادی و حقوق مدنی مورد انتظار زنان باشد.

با روشن شدن اولین شعله های انقلاب، زن ایرانی که پیش از آن تنها ایفاگر نقشی بسیار ساده و ناقص و بی خبر از نقش سازنده خود بود، حصار بی بند و باری را در هم شکست ، قیام کرد ، همپای مردان جامعه به مبارزه برخاست و بدعتی نو گذاشت

(عیوضی، ۱۳۸۵). پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و اندیشه های والای انسانی ایشان، و حاکمیت ایدئولوژی انسانی بر فضای فکری جامعه، وضعیت زنان جامعه را متحول ساخت و آنها را در مسیر اسلام و ارزش های الهی هدایت کرد و از بی هویتی، بی بندوباری و ابتدال، به سوی عزت خواهی، کمال جویی، تحول فکری و روحی هدایت کرد و به اوج انسانیت ارتقاء بخشید. در نگاه امام خمینی (ره) زنان به عنوان بخش بزرگ و مهمی از جامعه باید آگاهانه و مسئولانه در عرصه اجتماعی و سیاسی حضور داشته و نسبت به خطاها، عکس العمل نشان دهند؛ امام خمینی (ره) با بهره گیری از معارف اسلامی و آموزه های قرآنی و برخوردار از نگاه انسانی به زن، باعث بالفعل شدن استعدادهای بالقوه آنها شدند و از این طریق با ترویج نگاه انسانی به زن و برطرف ساختن موانع مشارکت آنها در جامعه پرداختند». حضرت امام ((ره)) دخالت در سرنوشت خود و ارتقای شئون اجتماعی زنان را نه تنها حق بانوان می داند، بلکه تکلیف شرعی، عمل به وظیفه دینی و اجابت دعوت الهی می شمارند، و این همان الگویی است که ما را در شناخت بیشتر دین یاری می دهد و یک عامل اساسی در برتری اسلام به جهت تکریم شخصیت زنان و حمایت از حقوق اجتماعی و سیاسی آنان و تأکید بر مشارکت و حضور آنان در عرصه های مختلف اجتماعی در مقایسه با دیگر مکاتب و نظام هاست.

از دیگر نکات مهم اندیشه امام در مورد نسبت میان زن و مرد است. در دیدگاه سنتی زن موجودی درجه دو تلقی می شود. در دیدگاه متجدد با آنکه دایره اختیارات زن افزایش یافته اما وی بیشتر نقش جایگزین را دارد که در مواقع ضرورت و اضطرار جای خالی مرد را پر می کند و در نهایت زن پس از مرد قرار دارد. از منظر امام به لحاظ انسانی زن و مرد هر کدام یک عنصر از سیستم کلان جامعه و زنان و مردان مجموعه های بزرگ تر زیرمجموعه آن سیستم کلان هستند. آنها با ویژگی های خاصی چون شعور، عاطفه، اراده و عملکرد زنانه نقش اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی متناسب با عناصر یاد شده بر

عهده می گیرند. تایید این مدعا را در بیانات ایشان اینگونه می یابیم «از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست، زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. در بعضی موارد تفاوت هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارند.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۶۴). حضرت امام با توجه با شناختی که از روحيات لطيف و خواسته های فطری و طبیعی یک زن دارند، حضور فعال ایشان در صحنه های مختلف انقلاب و پس از آن در دفاع هشت ساله را با عبارات گوناگون ارج گذاشته بر جایگاه برتر ایشان تاکید می ورزند.

به صورت طبیعی پس از تبیین و تفسیر جایگاه و منزلت اجتماعی زن از سوی امام خمینی<sup>(۵)</sup>، زمینه برای حضور فعال و سازنده زن در نظام اسلامی فراهم شد. به همین جهت ایشان از یک طرف حدود فعالیت های علمی، اجرایی، سیاسی، حقوقی و... زنان را معین می سازند و از طرف دیگر با بررسی تنگناهای موجود، راه حل هایی مناسب را ارائه می کنند. در حقیقت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با آگاهی نسبت به ظرفیت های زنان ایرانی، عرصه های جدیدی را گشودند و با تشویق و حمایت های بی دریغ که در تحصیل و پیشرفت علمی زنان در سیره خصوصی و شیوه خانوادگی خود داشتند بر اهمیت این امر تأکید می نمودند.

### حقوق هویتی زن ایرانی در آینه قوانین

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به گونه ای تعیین کننده، تحت تأثیر اندیشه های حکومتی امام<sup>(۵)</sup> در سال ۱۳۵۸ تکوین یافته است، نیروی انسانی زن که در نظام طاغوتی در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بود هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می یابد. در این نگرش، زن ضمن بازیابی وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسانها، پیش آهنگ و



همرزم مردان ، دارای نقشی فعال و منحصر به فرد در همه عرصه های حیات اجتماعی می باشد. به عبارت دیگر همانگونه که در مقدمه قانون اساسی عنوان شده در این بازیابی هویتی ، خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت شئی بودن و یا ابزار بودن در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار، خارج شده و لذا در اصل دهم قانون اساسی، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی ها باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط زن و مرد و فرزندان بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. مطابق با اصل بیستم قانون اساسی ؛ " همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسان ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند " به این ترتیب اصول قانون اساسی ، مردان و زنان را به طور مشترک و یکسان مد نظر قرار داده و اصل بیستم هم بر همین موضوع تاکید نموده است. علاوه بر آن ، اصل ۲۱ قانون اساسی ، توجه ویژه ای را به مسائل زنان معطوف نموده است . براساس این اصل " دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او .

۲- حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست .

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده .

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست .

۵- اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی " .

این اصل حاکی از نگاه جانبدارانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به زن و توجه خاص به «حقوق زنان» می باشد . با نگاهی به اصل فوق مشاهده می گردد که سه بند این اصل ( ۲ ، ۳ ، ۵ ) با اشاره به نقش های مادری و همسری زن سعی داشته است با حمایت ویژه از زنان در کانون خانواده از امکان تضييع حق ایشان در خانواده جلوگیری به عمل آورد اما در دو بند دیگر از اصل فوق ( ۱ و ۴ ) اساساً زن را فارغ از جایگاه او در خانواده مد نظر قرار داده و دولت را موظف نموده تا به حمایت ویژه از زنان ، فارغ از نقش همسری یا مادری بپردازد . به ویژه بند ۱ این اصل را می توان خط مشی، الگو و تکلیفی در جهت هویت سازی و تأمین حقوق مادی و معنوی زنان در این زمینه تلقی نمود که می بایست به عنوان یک اصل مهم در ابزارها و نهادهای متولی این امر در دولت از جمله رسانه قرار گیرد.

### منشور حقوق و مسئولیت های زنان

این منشور در نظام جمهوری اسلامی ایران به منظور ایجاد زمینه رشد هماهنگ و متوازن ابعاد مادی و معنوی در زندگی فردی و اجتماعی و با عنایت به آزادی مسئولانه زنان و کرامت انسانی آنها، با توجه به تناسب بین حقوق و مسئولیت ها ، شکل گرفته است. همچنین با پرهیز از آمیزه های

فکری مغایر با اسلام و به دور از تحجر فکری و خرافات و خود باختگی فرهنگی در مقابل بیگانه تدوین گردیده و بیانگر جایگاه زن براساس اصول و ضوابط اسلامی است که این اصول انعکاس خواست قلبی امت اسلامی ایران می باشد.

مبنای اساسی منشور بر این اعتقاد بنیادین استوار است که در اسلام ، زن و مرد در فطرت و سرنوشت هدف خلقت ، برخوردار از استعدادها و امکانات ، امکان کسب ارزش ها و پیشتازی در ارزش ها پاداش و جزای اعمال فارغ از جنسیت، در برابر خداوند یکسان می باشند و فقط به واسطه رشد همه جانبه انسانی در سایه دانش و علم ، تقوای الهی ، و ایجاد جامعه ای شایسته بر یکدیگر مزیت دارند. از سوی دیگر زن و مرد از نظر ویژگی های جسمی و روانی دارای تفاوت هایی می باشند که این تفاوت ها مبتنی بر حکمت الهی و به عنوان راز تداوم حیات بشر، کلیت منسجمی را تشکیل می دهد تا در نهایت، رابطه متقابل ناشی از تناسب فکری و عاطفی میان آن دو، حیات معقول و والای انسانی امکان و تداوم یابد. لذا این تفاوت های طبیعی منشا تفاوت های حقوق می شود که مبتنی بر عدالت خداوند متعال است ، لذا منجر به کم شدن ارزش زن یا تبعیض ظالمانه بین زن و مرد نمی گردد.

به جهت اشتراک زن و مرد در حقیقت انسانی، در بیشتر موارد زن و مرد در نظام حقوق اسلام از حقوق و مسئولیت های یکسانی برخوردار می باشند. تفاوت در حقوق و مسئولیت ها امری است که نشان دهنده برتری جنسی بر جنس دیگر نمی باشد و عمدتاً مولود عناوین حقوقی خاصی است که هر یک از زن و مرد به تناسب نقش های ویژه و بدل ناپذیر در خانواده پیدا می کند این تفاوت از آن جهت است که امکان وجود سلامت مادی و معنوی خانواده به

عنوان اصلی ترین نهاد جامعه که جایگاه حقیقی پیدایش و پرورش انسان است، تامین گردد.

بند ۷۲ از بخش حقوق و مسئولیت‌های فرهنگی و معنوی زنان بر حق بهره‌مندی از نظارت مستمر بر فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با زنان به منظور حفظ شخصیت، حرمت و کرامت انسانی زن در محصولات فرهنگی اشاره دارد.

«حقوق زن» در رسانه به عنوان یک نهاد فرهنگی و تولیدات آن از متن این بند قابل استنباط می‌باشد. در واقع آنچه می‌بایست وجود داشته باشد توجه نهادهای فرهنگی به ارائه تصویری است که شخصیت، حرمت و کرامت انسانی زن را حفظ نماید و همچنین زن دارای این حق است که دستگاه‌های ذیربط نظارتی مستمر بر عملکرد نهادها در جهت احقاق این حق داشته باشند.

### رسانه و هویت‌سازی جنسیتی

آنچه در بررسی اجمالی محصولات فرهنگی رسانه به ویژه رسانه تصویری بر می‌آید نشان‌دهنده غلبه رویکرد جنسیتی به زن به جای نگاه انسانی و تعریف جایگاه او بر اساس ایدئولوژی‌های جنسیتی است. در حقیقت رسانه جمعی تنها بازنمایی گفتمانی را برعهده می‌گیرد که بر کلیشه جنسیتی تأکید دارد (گافمن، ۱۹۹۷؛ اکسی، ۲۰۰۴؛ کولومبورگ، ۱۳۸۷؛ گرت، ۱۳۸۰؛ مک‌لین، ۱۹۹۹؛ هاسکل، ۱۳۸۱؛ ایلرگارد، ۲۰۰۴؛ حاج‌محمدی، ۱۳۸۲؛ راودراد، ۱۳۸۰؛ نبیی، ۱۳۷۸؛ جهان‌دیده، ۱۳۸۳، صفری، ۱۳۷۶؛ نوین‌وجهان‌دیده، ۱۳۸۳؛ صادقی و کریمی، ۱۳۸۵؛ قاسمی، ۱۳۸۲؛ پیرحیاتی، ۱۳۷۳؛ میرساردو، ۱۳۸۴؛ دیباجی، ۱۳۷۴؛ جوادی‌یگانه و کاظمی، ۱۳۸۳؛ چندلر، ۱۹۹۳) و آن‌ها را در قالب گفتمان‌های مسلط اشاعه می‌دهد. راودراد (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «تغییرات نقش زن در تلویزیون و جامعه» در خصوص تغییرات بازنمایی زنان به این نتایج دست می‌یابد که در سال ۱۳۷۴ (پیش از ورود گفتمان مدرن) تصویر

ارائه شده از زن در سیما تصویری سنتی بوده است و در آن مهم‌ترین نقش زن، نقش خانوادگی و از میان آن نقش مادری، همسری بوده است. با بروز تحولات امروز شاهد ارائه تصویری متفاوت از زن در سیما هستیم، به طوری که حدود ۶۰ درصد زنان نقش اول سریال‌های نیمه دوم سال ۱۳۷۸ (پس از ورود به دوره تحولات) شاغل، تحصیل کرده و دارای فعالیت‌های اجتماعی خارج از منزل هستند.

همچنین یافته‌های زندگی و راودراد (۱۳۸۵) در پژوهش دیگری با موضوع « تغییرات نقش زن در سینمای ایران» نشان داد که بازنمایی زنان در دو دوره مورد بررسی یعنی قبل و بعد از خرداد ۱۳۷۶ تغییرات و تحولات چشمگیری کرده است. و این تغییرات در موارد مختلفی چون: میزان حضور زنان در فیلم‌ها، کیفیت مشاغل، نوع پوشش، طبقه اجتماعی، نوع بهره‌گیری از محصولات فرهنگی، نوع مهارت‌های فردی، مضامین دیالوگ‌ها، میزان تحصیلات، اعتقادات، زبان، مکانیسم حل مشکلات شخصی و خانوادگی و غیره بوده است. نتیجه کلی این که تغییر در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در سینمای ایران باعث شکل‌گیری گونه متفاوتی از بازنمایی زن در فیلم‌های بعد از سال ۱۳۷۶ شده است.

اما علی‌رغم این تحولات به نظر می‌رسد برنامه‌های تلویزیونی پس از انقلاب به ویژه در حوزه زن و خانواده، از تسلط گفتمان سنتی مردسالارانه و حضوری نامنسجم، بی‌هویت و گاه تحقیر شده از زن حکایت می‌کند. با توجه به یافته‌های پژوهشی و بررسی اسناد و ضوابط سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی در حوزه برنامه‌های گروه خانواده (صباعی، ۱۳۸۶) و کم و کیف حضور زنان در تلویزیون (رضایی و کاظمی، ۱۳۸۷) باید گفت اهداف کلان سازمان صدا و سیما در مورد ساخت خانواده و سوزده‌های مرتبط با آن بر اساس گفتمان اندیشه اسلامی و دینی به عنوان خط مشی اصلی انقلاب ایران طراحی و تعریف شده است، اما در نهایت آن چه در رسانه ما در حوزه مذکور رخ می‌دهد محوریت

«خانه‌محوری» در هویت‌سازی زنان است نه «خانواده‌محوری». در چنین نگاه و تعریف و ترویج چنین هویتی برای زنان، علاوه بر اینکه وظایف و نقش‌های جنسیتی زن را برجسته می‌سازد در عمل محوریت جایگاه نهاد خانواده به عنوان زمینه‌ای مناسب در تعالی انسانی زنان را در سایه غلبه ایدئولوژیک و جنسیتی به حاشیه می‌کشاند.

### بحث و نظر: ارزیابی انتقادی عملکرد رسانه در حوزه هویت‌سازی

از مجموع آن چه بیان شد و با توجه به متن قانون اساسی، اندیشه‌های امام راحل و حقوق رسانه‌ای زن که در بند ۷۲ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان نیز اشاره شده است، می‌توان گفت انقلاب جایگاه هویتی زنان در ایران همزمان با آغاز نظام جمهوری اسلامی، انقلابی انسانی بوده است. به عبارت دیگر اگر جنبش زنان در غرب، تلاش جمعی جامعه زنان در جهت مبارزه برای دستیابی به جایگاهی قابل قیاس با مردان بوده است؛ اما انقلاب حقوق و هویت زنان در چارچوب گفتمان اسلامی و ایرانی، معیاری انسانی را ملاک قرار داده است. ورود این رویکرد به سطح ساختاری جامعه یعنی اسناد کلان و قانون نظام نیز به نوعی نشان‌دهنده اهمیت لزوم توجه به چنین رویکردی در تمامی نهادهای جامعه می‌باشد. این در حالی است که نهاد فرهنگی رسانه بیش از آن که با هویت‌سازی انسانی برای زنان، تأمین‌کننده حقوق آن‌ها نیز باشد، به هویت‌سازی جنسیتی توجه دارد.

اهمیت پرداختن به این مسأله در این نکته نهفته است که علی‌رغم جایگاه مؤثری که رسانه می‌تواند در ارائه یک الگوی درست داشته باشد، اما تنها با ارائه تصویری ایدئولوژیک نه تنها حقوقی که در چارچوب گفتمان هویتی اسلامی - ایرانی برای زنان تعریف شده و برعهده نهاد رسانه نهاده شده است نادیده می‌گیرد، بلکه با توجه به گسترش رسانه‌های نوین و تلاش جهت نفوذ و القای الگوهای جدید و متنوع، فقدان الگویی شایسته و راهکاری مناسب برای برون‌رفت از بحران‌های هویتی عصر جدید از سوی رسانه ملی، می-

تواند آشفتگی‌های فرهنگی و اجتماعی موجود را بیشتر سازد. نادیده گرفتن بسیاری از واقعیات و تحولات و یا نشان دادن واقعیات به نحوی که تنها تحقق‌بخش اهداف مردسالارانه باشد، در وضعیت امروز که رسانه‌های متعدد و رقیب با بیشمار شبکه و برنامه‌های گوناگون در حال تأثیرگذاری بر ساختار فرهنگی و اجتماعی جهان هستند، شکاف میان مخاطب و رسانه ملی ما را افزایش داده و در حقیقت یکی از ابزارهای مهم و عمده دولت که قابلیت بی‌بدیل در ترویج هویت انسانی و اصیل زنان دارد، با عملکرد خود به گرایش و تأثیرپذیری هرچه بیشتر زنان به رسانه‌های رقیب منجر خواهد شد.

لذا سیاستگذاران در حوزه رسانه باید بپذیرند شرایط و ساختار فرهنگی و اجتماعی معاصر و رویکرد رسانه‌ای و سیاست‌های کلان تولیدی در حوزه زنان باید در جهت ساماندهی به این وضعیت برنامه‌ریزی گردد. تنها با ارائه یک چهره واقعی و هویتی انسانی می‌توان بحران موجود را سامان بخشید. به نحوی که بازنمایی هویت انسانی او مقدم بر نقش مادری و همسری و یا کدبانوگری‌اش باشد، چرا که یک زن اگر نتواند یک انسان شاد و سالم باشد مسلماً نمی‌تواند ایفاگر موفق‌تری برای سایر نقش‌ها باشد. باید پذیرفت جامعه وارد مرحله دیگری شده و موضوع زن و یا مشارکت اجتماعی او در جامعه غیرقابل انکار و حاشیه‌رانی است. در عصر امروز نمی‌توان مانع آگاهی زنان شد و ساختار نقش و یا انتظارات آن‌ها را در قالبی کلیشه‌ای تعریف نمود. رسانه ملی می‌بایست در بازنمایی‌ها از افراط و تفریط بپرهیزد و چهره‌ای منطقی، معتدل و شایسته‌ای از زن معاصر ایرانی مطابق با آموزه‌ها و اهداف گفتمان نوین هویتی را به تصویر بکشد. یک بازنمایی واقع‌بینانه به دور از ترازها و ارزیابی‌های ایدئولوژیک و جنسیتی.

## پیشنهادات

۱. بهسازی تصاویر و چهره ارائه شده از زن و نقش و جایگاه وی در رسانه‌های گروهی به منظور اصلاح الگوها، نگرش‌ها و رویه‌های نادرست ناشی از فرهنگ مردسالاری و تلاش برای افزایش باورهای عمومی به شایستگی انسانی زنان
۲. ارائه آموزش‌های رسانه‌ای مستقیم و غیر مستقیم مهارت‌های زندگی و مهارت‌های ارتباطی سالم و سازنده میان زوجین و فرزندان به منظور اشاعه احترام به حقوق انسانی یکدیگر و به رسمیت شناختن آن حقوق.
۳. تلاش برای ارائه برنامه‌های فرهنگی در زمینه مقابله با نظام ارزشی تبعیض آمیز و پالایش چهره دین از زنگارهای جهل، خرافه، خودخواهی و ارائه برداشتی انسان‌شناسانه از متون دینی در مورد زنان و گسترش و تعمیق فرهنگ و تعالیم اصیل دین در این رابطه.



## منابع تکمیلی:

قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران

آیت‌اللهی، زهرا. (۱۳۹۱). شرح مختصر منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام

جمهوری اسلامی ایران. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

استوری، جان. (۱۳۸۵). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*. ترجمه محمدحسین

پاینده. تهران: انتشارات آگاه.

پیران، صدیقه. (۱۳۸۱). *سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر*. تهران: نشر روشنگران.

خبسته، حسن. (۱۳۸۳). «گفتمان ایدئولوژیکی غالب در رسانه‌های جمعی و بیانات

مسئولان امور در حوزه مسائل زنان». *فصلنامه رسانه و زن*، ۱۱(۳۸)، ۷۰-۵۱.

خمینی (ره)، روح الله، «*صحیفه نور*»، ج: ۴، ۵، ۲۰: تهران: تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

دیباچی، فاطمه. (۱۳۷۴). «نقش تلویزیون در چگونگی شکل‌گیری شخصیت اجتماعی

زن». *مجموعه مقالات اولین سمینار زن و رسانه*. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و

سنجش برنامه‌های صدا و سیما.

رابرت، ک. این. (۱۳۸۱). *تحقیق موردی*. ترجمه: محمدعلی پارسایان و سیدمحمد اعرابی.

تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

راودراد، اعظم. (۱۳۸۰). «تغییرات نقش زن در جامعه و تلویزیون». *فصلنامه پژوهش زنان*،

۱(۱)، ۱۵۶-۱۴۳.

راودراد، اعظم. (۱۳۸۲). «مشارکت زنان در رادیو و تلویزیون». *فصلنامه پژوهشی زنان*،

۱(۵)، ۱۹۶-۱۶۷.

رحمتی، محمد مهدی. و سلطانی، مهدی. (۱۳۸۳). «تحلیل جامعه‌شناسانه مناسبات

جنسیتی در سینمای ایران». *فصلنامه پژوهش زنان*، ۲(۳)، ۴۰-۷.

رضایی، محمد. و کاظمی، عباس. (۱۳۸۷). «سیاست جنسیت در تلویزیون ایران».

*فصلنامه پژوهش زنان*، ۶(۳)، ۱۱۲-۸۵.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۳) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳، چاپ هفتم، جلد ۱: ۲۵۶.

ساروخانی، باقر و رفعت‌جاه، مریم. (۱۳۸۳). «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی». مجله جامعه‌شناسی ایران. (۲)۵: ۱۶۰-۱۳۳.

ساعی، منصور. (۱۳۸۹). «بازنمایی ابعاد تاریخی و سیاسی هویت ملی در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی سریال‌های تلویزیونی تاریخی درجه الف در سه دهه پس از انقلاب اسلامی ایران)». دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش سیاست نظری، (۷)، ۱۴۲-۱۱۳.

سلطانی، سیدعلی‌اصغر. (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان فیلم‌های سیاسی، اجتماعی: نگاهی به پارتی سامان مقدم». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۳(۹)، ۱۶-۱. سلطانی گردفرامرزی، مهدی. (۱۳۸۵). «نمایش جنسیت». فصلنامه پژوهش زنان، ۴(۱ و ۲)، ۹۱-۶۱.

صادقی‌فسایی، سهیلا. و کریمی، شیوا. (۱۳۸۵). «کلیشه‌های جنسیتی سریال‌های تلویزیونی ایران». فصلنامه پژوهش زنان، ۴(۳)، ۱۰۹-۸۳.

صبافی، علی‌اصغر (۱۳۸۶). «مطالعه نظام تولید برنامه‌سازی برنامه سیمای خانواده در سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

صفری، فاطمه. (۱۳۷۶). «تحلیل سیمای زن و مرد در برنامه‌های خانواده شبکه اول سیما (سریال‌ها و برنامه گفتگوی خانواده)». تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما.

عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰). گفتمان و جامعه. تهران: نشر نی.

فرهنگی، علی‌اکبر. و روشندل اربطانی، طاهر. (۱۳۸۳). «نگرشی بر بنیان‌های نظری مدیریت سازمان‌های رسانه‌ای». دانش مدیریت، ۱۷(۶۶)، ۱۱۴-۸۵.

کاظمی، عباس. و ناظر فصیحی، آزاده. (۱۳۸۶). «بازنمایی زنان در یک آگهی تجاری تلویزیونی»، فصلنامه پژوهش زنان، ۵(۱)، ۱۵۳-۱۳۷.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نی، چاپ پنجم: ۷۲۶.
- مجدفر، فاطمه. (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی عمومی، تهران، شعاع، چاپ اول: ۲۷۶.
- معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی. (۱۳۸۴). اهداف، محورها و اولویتهای تأمین، تولید و پخش برنامه‌ها. تهران: معاونت سیما.
- معینی‌فر، حشمت‌السادات. (۱۳۸۸). «بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه: مطالعه موردی صفحه حوادث روزنامه همشهری». فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۲(۷)، ۱۹۷-۱۶۷.
- مؤمنی، فاطمه (۱۳۸۵). «بانوان در تاریخ معاصر». ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر. ۵(۴۸). ۳۰.
- میرساردو، طاهره. (۱۳۸۴). «مقایسه منزلت و نقش اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زنان و مردان در سریال‌های تلویزیونی در تابستان و پاییز سال ۱۳۸۳». تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما.